

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod:2021S5D17SH95505 ISSN-P: 2538-3701

بررسی سیاست کیفری ایران در راستای پیشگیری از جرایم اقتصادی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

مرتضی مهدوی فر

چکیده

پیشگیری از جرایم اقتصادی پیش از هر چیز تابع درک موقعیت قانونی این جرایم در یک نظام سیاست جنایی از یک سو و امکان تحقق تدابیر پیشگیرانه نسبت به آنها از سوی دیگر است. در راستای پیشگیری از ارتکاب جرایم اقتصادی، حذف کامل رفتارهای مجرمانه غیرممکن است، اما هدف مقبول در این راستا می‌تواند کاهش نرخ جرم باشد که در مورد جرایم مذکور، این نرخ یا آستانه، مربوط به ثبات خود سیستم است. پیشگیری از جرایم اقتصادی، با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق اتخاذ تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه را متقاعد می‌کند که هزینه ارتکاب جرم بیش از حد توان آنهاست. مشکل بودن کشف جرایم اقتصادی از یک سو و عدم دسترسی کافی به منابع کشف و تعقیب آنها و همراه بودن ارتکاب این جرایم با هزینه‌های هنگفت برای جامعه از سوی دیگر از دلایل افزایش تلاش‌های پیش‌گیرانه می‌باشد. اخیراً در سیاست جنایی ایران متأثر از کنوانسیون سازمان ملل راجع به فساد (مریدا) تدابیری پیش‌بینی گردیده است که هم واجد وصف کیفری و هم غیر کیفری‌اند. در این مقاله برجسته‌ترین راهکارهای کیفری و غیرکیفری که قانونگذار در جهت پیشگیری از جرایم اقتصادی وضع نموده اشاره می‌شود.

۹۴۵



واژگان کلیدی: جرایم اقتصادی، جرایم مالی، فساد اقتصادی، سیاست جنایی، پیشگیری از

جرم اقتصادی

بخش اول: کلیات

برای توجیه توسل به تدابیر کیفری لازم به ذکر است که «اخلاق معنوی و اجتماعی» که در محدوده پیشگیری اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد، با همه اهمیتی که دارد، برای پیشگیری از همه جرایم کافی نیست. اگر صرفاً به کارایی آن در مقابله با جرم اعتقاد داشته باشیم، لذا کسانی که اخلاقمند هستند، نباید مرتکب جرم شوند، در حالی که همواره چنین نیست. مدیر یک شرکت که مسائل اخلاقی را نیز رعایت می‌کند، مرتکب جرم مرتبط با شغل و تخصص خود می‌شود. مثلاً اسرار و اطلاعات نهان بورس را به طور غیرمجاز و با اعمال نفوذ بدست آورده و بدین ترتیب یک شبه مبالغ هنگفتی بدست می‌آورد و موجب خسارت به اشخاصی می‌شود و به اقتصاد و اعتبار دولت خدشه وارد می‌کند.^۱ بنابراین به دنبال عدم تکافوی تدابیر پیشگیرانه اجتماعی، توسل به تدابیر پیشگیرانه کیفری امری ضروری و اجتناب ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر «هرچه پیش گیری اجتماعی در ایفای نقش آموزشی و تربیتی خود در زندگی اجتماعی فرد کوتاهی کند، قوانین کیفری باید در جهت جلوگیری از گذار از اندیشه به عمل مجرمانه فعال و بازدارنده باشد.^۲ جدا از این در مورد مجرمین اقتصادی، با توجه به قدرت سازگاری با جامعه، اعتماد به نفس بالا و عدم تأثیر پیشگیری اجتماعی جهت جلوگیری از جرم، تدابیر کیفری در اولویت قرار می‌گیرد.^۳ بنابراین تدابیر کیفری باید هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد، مجازات های متناسب وضع کند، مجازات ها بازدارنده باشد، اهداف و ارزش های مورد حمایت قانونگذار را پوشش دهد.

بند اول: بالا بردن هزینه ارتکاب جرم و پاسخ کیفری متناسب

قانونگذار باید در تصویب یک قانون جزائی به گونه‌ای هزینه ارتکاب جرم را بالا ببرد که مرتکب احتمالی از همان ابتدا مضار آن را بر منافع ارتکاب جرم ترجیح دهد. در مقررات

^۱ نجفی ابرند آبادی، ۱۳۸۵، پیشین، ص ۵۵

^۲ گسن، ریموند؛ مقدمه‌ای بر جرم شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، انتشارات مترجم، تهران، ۱۳۸۳، ص

۲۵۲.

^۳ دادخدایی، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۲۸۴.

جزائی ایران بدو در قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ارتشا و کلاهبرداری برای پرداخت کننده رشوه تعیین مجازات نشده بود. اما با تصویب بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ قانونگذار در ماده ۵۹۲ این قانون مجازات حبس از شش ماه تا دو سال را و یا تا ۷۴ ضربه شلاق را برای مرتکب این جرم تعیین نمود اما در راستای تشویق و ترغیب راشی به اعلام پرداخت رشوه راشی مضطر یا گزارش دهنده پرداخت را از مجازات معاف نمود. قانونگذار ایران در جهت بالا بردن هزینه ارتکاب جرم برای مرتکبین جرایم اقتصادی متوسل به تشدید و تنوع مجازات‌ها شده است. ضمن اینکه طی مقررات متعدد مانند قانون مبارزه با اخلاک‌گران نظام اقتصادی، قانون تشدید و قانون مجازات اسلامی تلاش کرده است تا مقررات شدیدی را برای مرتکبین تعیین نماید در عین حال طیف مجازات‌ها در این خصوص از تنوع بالایی برخوردار است تا بدین ترتیب مجرمین با خصوصیات روانی و اخلاقی مختلف را به سنجش سود و زیان ارتکاب بزه وادارد و هزینه‌های ارتکاب را از همه حیث افزایش دهد. برای مجرمین چنین جرایمی حسب مورد طیف وسیعی از انواع مجازات‌ها شامل مجازات‌های اعدام، سلب آزادی، مجازات‌های مالی (ضبط اموال حاصل از جرم، مصادره اموال، جزای نقدی)، شلاق، محرومیت‌های اجتماعی، شهر، محرومیت از فعالیت اقتصادی، انفصال دائم یا موقت از خدمات دولتی و غیره می‌گردد. اما باید توجه داشت که در بخش جرایم اقتصادی اعمالی جرم انگاری شده اند که در ذات و ماهیت خود کیفری نیستند. یکی از راه‌های تفکیک تخلفات کیفری و غیر کیفری، تفکیک بر اساس ماهیت و طبیعت ذاتی این اقدامات است. تناسب جرم با مجازات یکی از اصول حاکم بر مجازات‌هاست، آنچه در اینجا مد نظر ماست مربوط به حیطه وظیفه قانونگذاری است. یعنی قانونگذار کیفری باید در جرم انگاری جرایم اقتصادی مناسب واکنش را نشان دهد. تا در زمان اجرا و عمل از یکسو بازدارندگی و کارآمدی لازم را داشته باشد و در عین حال قضات به دلیل عدم تناسب جرم با مجازات از حکم به آن به انحاء مختلف سرباز نزنند. هر گاه مقصود از مجازات سودمند بودن آن باشد وظیفه قانونگذار است تا در هر مورد میزان کارایی مجازات را سنجیده و متناسب با رفتار مجرمانه و ضرر و زیانی که به نظم عمومی جامعه وارد آورده، عکس العمل جامعه را به



صورت قوانین کیفری در آورد تصویب و احرای منطقی مجازات‌ها و رعایت تناسب مجازات با جرم می‌تواند در تقلیل بزه کاری مؤثر باشد.^۱ قانونگذار در بند الف ماده ۱۱ قانون ارتقا سلامت نظام اداری قوه قضائیه را ملزم نموده است تا: «ظرف یک سال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرائم موضوع این قانون و بررسی خلأهای موجود، لایحه‌ای جامع با هدف پیشگیری مؤثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات‌ها با جرائم، تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد.» اگر این لایحه شکلی نظام‌مند و متناسب آماده و به تصویب مجلس برسد می‌توان امیدوار بود که سیاست جنایی منسجم‌تری در مقابله با جرایم اقتصادی در نظام کیفری ایران شاهد باشیم.

بند دوم: احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون‌گذار

نظام اجتماعی بستر تعاملات میان افراد و گروه است که طرفین این روابط متقابل همواره خواهان حفظ برتری خود بر دیگری هستند. سیر طبیعی یک نظام اجتماعی بر مبنای تلاش برای مستولی شدن منافع فرد بر دیگران است و این تلاش طبیعی، مداخله هرگونه عامل ثالثی را برای نظم دادن آن منتفی می‌کند. اما با وارد شدن دولت در این معادله گاهی پیش می‌آید که دولت احساس می‌کند باید در تعاملات بین افراد و گروه‌ها نظارت داشته باشد و یا اینکه خود از طرفین ذینفع به شمار رود. بنابراین از ابزارهای حفظ نظم که به صورت انحصاری در اختیارش قرار دارد استفاده می‌کند. اما به دلیل محدود شدن آزادی‌ها و حقوق افراد، قانونگذار در وهله اول از تدابیر غیر کیفری استفاده می‌کند و حقوق کیفری را به عنوان آخرین راه حل به کار خواهد گرفت. بنابراین دولت باید در استفاده از حقوق کیفری به عنوان راه حلی برای رسیدن به ارزش‌های برتر اجتماعی، این ارزش‌ها را به وضوح مشخص کرده باشد و سپس اقدام به تعیین ضمانت اجرا برای ناقضان آن نماید. در نبود یک توجیه الزام آور در وضع قوانین کیفری همه مجازات‌ها ناقض حقوق افراد خواهد بود. محور و عقیده اصلی این نظریه

^۱ محمودی جانکی، فیروز، امنیت و نامنی از دیدگاه سیاست جنایی، نشریه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۸، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۳۲.

آن است که جرم انگاری این دسته از رفتارها برای رسیدن به اهداف و ارزش‌های مورد حمایت دولت ضروری باشد و دقیقاً برای رسیدن به آن اهداف و ارزش‌ها طراحی شده باشد.^۱ در جرم انگاری اعمالی با عنوان جرم اقتصادی قانونگذار باید ابتدا مشخص کند که قصد حمایت از کدام یک از ارزش‌ها را دارد. آیا هدف وی حمایت از منافع دولت است یا حمایت از مالکیت فردی یا حفظ پایه‌های اقتصاد اسلامی و سپس بر اساس هدف مورد به جرم انگاری و تعیین مجازاتی پردازد که وی مستقیماً به این هدف می‌رساند. قانونگذار در قوانین و مقررات متعددی اقدام به جرم‌انگاری جرایم اقتصادی نموده است، اما آنچه که هیچگاه در صدد تعیین برنیامده است تعیین معیار و شاخصی است که بر اساس آن تشخیص داده است که رفتاری خاص به عنوان رفتار مجرمانه در قانون گنجانیده شود. برای مثال شاخص اخلاق در نظام اقتصادی کشور چیست که موجب می‌شود یک بار احتکار در زمره این قانون مجازات شود و یک بار دیگر در قانون منع احتکار و بار دیگر در قانون تعزیرات حکومتی آورده شود. تمامی رفتارهایی که در قوانین نامبرده بالا جرم‌انگاری شده‌اند به نوعی فعالیت‌های ناسالم اقتصادی هستند اما از نظر ماهیت، موضوع جرم، میزان ضرر و زیان وارده، و شخصیت بزه دیده و مرتکب با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین قانونگذار باید در هر مورد با توجه به ویژگی‌های هر جرم اقدام به دسته‌بندی آن در گروه‌های جداگانه نماید. اقدام قانونگذار در جرم‌انگاری برخی اعمال تحت عنوان جرم اقتصادی بیشتر نوعی مهار موقتی بحران از طریق قهرآمیزترین و ساده‌ترین ابزار در دسترس بوده است. نگاهی به تاریخچه قوانین کیفری اقتصادی گویای این واقعیت است که قانونگذار در وضع این قوانین کاملاً متأثر از جریان‌ات روز بوده است. اما این روند همچنان ادامه داشته و قانونگذار در تدوین این قوانین حتی نیم نگاهی به قوانین ماقبل خود نداشته است. برای مثال در جریان تصویب قانون مجازات اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور یکی از موضوعات مورد اختلاف، تکراری بودن این مواد قانون بود اما در نهایت این ایراد مورد توجه قرار نگرفت. مهمترین علت وضع این قانون تنش‌ها و نوسانات اقتصادی و



سیاسی حاکم بر آن دوره زمانی بود. زمان بازسازی پس از جنگ تحمیلی مشکلاتی که پس از زلزله رودبار پدید آمده بود، انحصار و احتکارهای عمده‌ای که در آن مقطع زمانی رخ داده بود و همچنین شیوع تأسیس شرکت‌های مضاربه‌ای که توانسته بودند با جمع کردن وجوه مردم به فعالیت‌ها و حرکاتی دست بزنند که دولت را در مضایقه قرار می‌داد.^۱ احراز منفعت و ارزش مورد حمایت قانون گذار در تعریف یک جرم و کشف اراده‌ی حقیقی قانون گذار از جرم انگاری، دارای اهمیت اساسی است. به عنوان مثال اگرچه موضوع سرقت و رشوه، مال و منفعت مالی است، اما به دلیل آن که ارزش مورد حمایت قانون گذار در سرقت، حمایت از مال یک فرد و در رشوه، حفظ اعتماد جامعه نسبت به دولت و کارمندان آن می باشد، هر یک از این جرایم را در دسته‌بندی جدا از دیگری قرار داده که دارای آثار و تبعاتی، از جمله دارای تفاوت در آیین رسیدگی یا شدت و ضعف در مبارزه یا پیشگیری است.^۲ مثال دیگر در حقوق کیفری ایران، اختلاس نسبت به اموال دولتی و خیانت در امانت نسبت به اموال غیر دولتی است. در حالی که نحوه‌ی عمل در هر دو، یکی است و آن عبارت است از سوءاستفاده از موقعیت امانی و دخل و تصرف در مال مورد امانت، اما ارزش مورد حمایت مقنن در اول به لحاظ دخالت مستخدم دولت و سوءاستفاده از اعتماد، دارای حساسیت و عکس العمل شدیدتری است. این موضوع است که به نظر می‌رسد به شدت از سوی قانونگذار در احصا جرم اقتصادی رعایت شده است به جز جرم کلاهبرداری تمامی ۱۳ مورد مصادیق جرم اقتصادی که قانونگذار در تبصره ماده ۳۶ قانون جدید مجازات احصا نموده است در زمره مجازات‌هایی است که علیه اموال دولتی و عمومی یا علیه نظام اقتصادی کشور ارتکا می‌یابند و اعتماد عمومی به دولت را دچار خدشه می‌کنند. لذا در جرم اقتصادی، ارزش و منفعت مورد حمایت، موجب تفکیک جرایم اقتصادی از جرایم مالی است. ایراد گرفته شده است که با توجه به عدم تعریف جرم اقتصادی، احراز موضوع و ارزش مورد حمایت قانونگذار ممکن

^۱ روزنامه رسمی، ۱۳۶۹ ص ۲۸

^۲ ولیدی، محمد صالح؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲ ص ۴۴

نیست.^۱ در پاسخ باید گفت جرم اقتصادی، واقعیت دنیای امروز است و برای اعمال سیاست جنایی مناسب و کارا در مقابل آن، قبل از هر چیز نیاز به شناسایی آن است. احراز منفعت یا ارزش مورد حمایت در جرم انگاری یک عمل، گاه مربوط است به «آنچه هست» که آن را از لحن قانون گذار، روح قانون، سابقه و شرایط تصویب یک ماده‌ی قانونی احراز می‌کنیم. البته در جرم انگاری، الزاماً نباید به دنبال یک ارزش باشیم که مقنن به دنبال حمایت از آن بوده است، مانند زمانی که قانونگذاری با تصویب یک قانون درصدد بیان توجه خود به یک موضوع در مقابل مخاطبان آن قانون بوده است، حالت دیگر آن است که ارزش مورد حمایت قانون گذار در زمان اجرای قانون، فاقد موضوعیت بوده، اهمیت خود را از دست داده و به صورت قانون متروک درآید. گاه احراز مصلحت و ارزش مورد حمایت، مربوط است به «آنچه باید باشد». بحث ما در مورد جرایم اقتصادی چنین است. با استفاده از زمینه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی، سه موضوع را می‌توان به عنوان منفعت مورد حمایت در جرایم اقتصادی مورد توجه قرار داد:

الف - حمایت از بزه‌دیده

امروزه حمایت از بزه دیده مورد توجه جرم‌شناسی و حقوق کیفری قرار گرفته است. بزه دیده، شخصی است که به دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد. واژه‌ی بزه‌دیده، در بردارنده‌ی بزه‌دیدگان مستقیم و غیرمستقیم است.^۲ کاسن^۳ بر اساس ضابطه‌ی «بزه‌دیده»، به تقسیم‌بندی انواع جرایم اقتصادی پرداخته و آنها را به شش دسته‌ی زیر تقسیم می‌نماید.^۴

۱- بزه‌دیدگان جرایمی که مرتکبان آن‌ها، سرمایه گذاران اقتصادی و شرکای وی هستند و عبارتند از سهامداران یک شرکت و ماموران وصول مالیات. گروه دیگر از این دسته، کسانی

^۱ دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۵۷

^۲ رایجیان اصلی، مهرداد، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۱۳، ص ۱۶

^۳ kasen

^۴ نقل از دادخدایی، ۱۳۸۹، ص ۶۰

هستند که در هنگام انتقال سرمایه از یک سرمایه‌گذار اقتصادی به دیگری، ممکن است در اثر تقلب در انتقال سهامی که دارای ارزش پابین یا اساساً بی ارزش است، متضرر شوند. بزه دیدگان این جرم را نیز سهامداران یا ماموران وصول مالیات تشکیل می‌دهند.

۲- اعمالی که موجب ورود ضرر به بستانکاران شرکت یا بنگاه اقتصادی می‌شود، مانند ورشکستگی، اعم از به تقصیر یا به تقلب. بزه‌دیدگان این جرم ممکن است ماموران وصول مالیات و بستانکاران یک شرکت، که شامل مستخدمان آن شرکت نیز می‌شود، باشند. این قسمت شامل تخلف سرمایه‌گذار از مقررات مربوط به پرداخت حقوق و دستمزد، همچنین سوء عملکرد وی در خصوص شرایط محیط کار از لحاظ ایمنی و بهداشت کار است و موجب در معرض خطر قرار گرفتن تمامیت جسمانی ایشان می‌گردد.

۳- اعمالی که مصرف‌کنندگان کالا و خدمات از آنها متضرر می‌شوند و به دلیل غیر استاندارد بودن کالا و موارد دیگر، بزه‌دیده واقع می‌شوند.

۴- اعمالی که بزه‌دیدگان آن‌ها شامل رقبای یک فعالیت اقتصادی می‌باشند. مانند تبلیغات علیه شرکت رقیب.

۵- اعمال مربوط به مقررات حمایت از محیط زیست در عرصه‌ی اقتصادی مانند آلودگی ه این‌اشی از فعالیت‌های صنعتی.

۶- دسته‌ی آخر از بزه‌دیدگان، عبارت از سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی می‌باشند که در جرایم مربوط به انواع مختلف برداشتن کالا از مغازه، کلاهبرداری یا چک و کارت‌های اعتباری، کلاهبرداری مربوط به بیمه یا جرایم کامپیوتری متضرر می‌گردند.

ب- توجه به موضوع جرم

قبل از هر چیز باید یادآوری کرد که «موضوع» جرم و «بزه‌دیده» از جرم، دو مبحث متفاوت هستند که برخی موارد بر یکدیگر منطبق می‌شوند. به عنوان مثال موضوع جرم قتل، همان بزه دیده است، اما در جرایم علیه اموال، موضوع جرم، «مال» است و «بزه دیده»، «مالک» یا متصرف آن می‌باشد. برخی، جرم اقتصادی را از دیدگاه «موضوع» مورد بحث قرار داده‌اند.

اگر به جرایم اقتصادی از بعد موضوع جرم نگاه کنیم، آن چه جرم اقتصادی را می سازد، موضوع آن خواهد بود. جرایم مربوط به بورس و اوراق بهادار، برخی موارد جرایم رایانه ای، تقلب در حساب های یک شرکت یا بنگاه تجاری، صنعتی یا مالی جرایمی هستند که به اعتباری، تعرض به موضوعات آنها از قبیل بورس و اوراق بهادار، رایانه و سیستم حسابداری جرم اقتصادی محسوب می گردد. عده ای که جرم تجاری را با جرم اقتصادی مترادف م ی دانند، جرم تجاری را هنگامی محقق می دانند که «تجارت» موضوع یک رفتار مجرمانه ی اساسی قرار گیرد. به عنوان مثال، به «معامله ی محرمانه ۱» اشاره شده است.^۱ معامله ی محرمانه، هنگامی است که اعضای داخلی یک شرکت از جمله مدیران، بازرسان و حسابداران آن، با استفاده از اطلاعات پنهانی مربوط به آن شرکت، به نفع خود معامله میکنند در حالی که برای دیگران امکان دسترسی یا استفاده ی از آن اطلاعات وجود ندارد. نکته ی قابل توجه این که صاحب نظران در خصوص جرم بودن معامله ی محرمانه، اتفاق نظر ندارند. عده ای بر این عقیده اند که معامله ی محرمانه، پاداشی برای زحمات مدیران در یک شرکت است که در آنها انگیزه ی تلاش بیشتر را ایجاد می کند. بنابراین، جرم انگاری معامله ی محرمانه نه تنها زحمات مدیران را نادیده می گیرد، بلکه انگیزه ی آنها را در انجام امور کاهش می دهد. عده ای دیگر پیش بینی چنین امتیازی را برای مدیران عادلانه نمی دانند؛ زیرا، به ایجاد موقعیتی نابرابر میان مدیران شرکت و سایرین در استفاده از اطلاعات داخلی می انجامد.^۲ راه حل میانه ای که برخی مطرح نموده اند، این است که باید میان معاملات کلان و معاملات جزئی، قائل به تفکیک شد و تنها معاملات محرمانه در سطح مهم و کلان را قابل مجازات دانست. در حقوق ایران، به موجب بند ۲ ماده ی ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۴ معاملات محرمانه، واجد وصف مجرمانه است؛ به گونه ای که مرتکبان به حبس تعزیری از سه ماه تا یک سال، یا به جزای نقدی معادل دو تا پنج برابر سود به دست آمده، یا زیان متحمل

^۱ نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴ ص ۱۹

^۲ دادخدایی، ۱۳۸۹، پیشین، ص ۵۱.

^۳ دادخدایی، پیشین، ص ۵۱.



نشده یا هر دو مجازات محکوم خواهند شد. هم چنین به موجب تبصره ۱ همان ماده، اشخاص زیر به عنوان اشخاص دارای اطلاعات نهانی شرکت شناخته می شوند:

الف) مدیران شرکت شامل اعضای هیأت مدیره، مدیر عامل و معاونان؛

ب) بازرسان، مشاوران، حسابرسان، حسابداران و وکلای شرکت؛

ج) سهامدارانی که به تنهایی یا به هم راه افراد تحت تکفل خود بیش از ده درصد سهام شرکت را در اختیار دارند یا نمایندگان آنان؛

د) مدیرعامل و اعضای هیأت مدیره و مدیران مربوط یا نمایندگان شرکت های مادر (هلدینگ) که مالک حداقل ده درصد سهام یا دارای حداقل یک عضو در هیأت مدیره شرکت سرمایه پذیر باشند؛

ه) سایر اشخاصی که با توجه به وظایف، اختیارات، یا موقعیت خود، به اطلاعات نهانی دسترسی دارند. تعریف جرم اقتصادی بر مبنای موضوع آن، بدون در نظر گرفتن و توجه به سایر عوامل، تعریفی جامع و دقیق نخواهد بود؛ زیرا، جرم اقتصادی همیشه بر پایه ی موضوع آن قابل تعریف نیست و گاه عامل وسیله، بزه دیده یا عوامل دیگری در این میان نقش اساسی خواهند داشت.

ج- حمایت از نظم و مدیریت اقتصادی

آخرین ضابطه در جرایم اقتصادی عبارت است از حفظ نظم در مدیریت و فعالیت های اقتصادی جامعه. دولت (در مفهوم عام خود) برای نظام بخشیدن به امر تولید و توزیع کالا و خدمات، حمایت از مصرف کننده، قیمت گذاری، حمایت از تولیدکننده، بورس و اوراق بهادار، ایجاد رقابت مشروع، صادرات و واردات، حفظ محیط زیست، حفاظت و ایمنی کالا و خلاصه هر آن چه لازمی وجود یک اقتصاد سالم در کشور است، ناچار به تنظیم نظامات، مقررات و قواعدی است که عدم رعایت آن ها به صورت مستقیم و غیرمستقیم، آنی یا در طول زمان، موجب ورود لطمه به نظم اقتصادی و اخلال در آن می شود. در این فرض، لازم نیست مرتکب یا موضوع بزه دیده ی جرم، الزاماً شرکت یا یک بنگاه تجاری، صنعتی و مالی

باشد. یک فروشنده‌ی دوره‌گرد هم می‌تواند مرتکب جرم اقتصادی شود؛ زیرا وی نیز در محدوده‌ی فعالیت اقتصادی خود مکلف به رعایت پاره‌ای مقررات است که نقض و عدم رعایت و در یک نظم اقتصادی ایجاد خلل می‌نماید. عدم رعایت و نقض این قوانین و مقررات در سطح کلان، موجب ضربه به اقتصاد ملی خواهد شد. در حال حاضر نیز نظارت دولت در یک سطح معقول، برای حفظ نظم اقتصادی را ضروری دانسته‌اند.^۱ در ایران، ضربه‌زنندگان به اقتصاد ملی، یا به عبارت دیگر اقتصاد کلان جامعه، دارای مجازات‌های سنگین و تحت شرایطی تا حد اعدام می‌باشند. به عنوان مثال مطابق ماده‌ی ۵۲۶ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جعل هرگونه اسکناس رایج داخلی یا خارجی، اسناد بانکی یا اوراق بهادار صادره از بانکها و خزانه، در صورتی که به قصد اختلال در وضع پولی یا بانکی و یا اقتصادی باشد و نیز ورود اسناد مجعول فوق به کشور با علم به مجعول بودن آن‌ها، در حالت عادی مستوجب مجازات تا بیست سال حبس و در صورت وجود کیفیات مشدده، مجازات اعدام است. همچنین قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹، با بیان مصادیق اختلال در نظام اقتصادی، رسیدگی به آنها را در صلاحیت دادگاهی اختصاصی قرار داده است؛ این دادگاه مکلف است فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی کند. مطابق تبصره‌ی ۵ ماده‌ی ۲ این قانون، هیچ یک از مجازات‌های مقرر در این قانون قابل تعلیق، تخفیف و یا تعطیل نمی‌باشد. با این که در نظام حقوقی ایران، شرط مسئولیت معاون، تحقق فعل مجرمانه‌ی اصلی است و لذا ترک فعل را شامل نمی‌شود، به موجب تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۲ مذکور، شخصی که با سکوت خود و عدم گزارش مراتب به مقامات، موجب تسهیل در ارتکاب جرم گردد، معاون جرم محسوب می‌شود.

بند سوم: استفاده از مجازات‌های هرمی

قانونگذار ضمانت اجرای کیفری را به عنوان تنها ضمانت اجرای موجود در زمینه جرایم اقتصادی به کار برده است و ضمانت اجراهای تدریجی (هرمی) در این قوانین جایگاه

^۱ همان ص ۵۳.



محدودی دارد. تنها شیوه تعیین ضمانت اجرای مرحله‌ای در این قوانین حالتی است که اگر اقدام فرد مرتکب، به قصد براندازی حکومت و مقابله با نظام باشد، مجازات فرد مجازات مرتکب خواهد بود. برای مثال قانونگذار در ماده ۱ قانون مجازات اخلاک‌گران اقتصادی مصوب ۱۳۶۸ آمده است: «هر یک از اعمال مذکور در بندهای ماده ۱ چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی ایران و یا به قصد مقابله با آن و یا با علم به موثر بودن اقدام در مقابله با نظام مزبور چنانچه در حد فساد فی الارض باشد مرتکب به اعدام و در غیر این صورت به حبس از پنج سال تا بیست سال محکوم می‌شود و در هر دو صورت دادگاه به عنوان جزای مالی به ضبط کلیه اموالی که از طریق خلاف قانون به دست آمده باشد حکم خواهد داد.» نظیر این حکم در ماده ۵۲۶ قانون تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده مصوب ۱۳۷۵ نیز آمده است. ضمانت اجرای هرمی باید مجموعه‌ای از ضمانت‌های مدنی - کیفری باشد. تفاوت‌های بسیاری میان فرایندهای کیفری و مدنی وجود دارد که این تفاوت‌ها هم در خود فرایند و هم در نتایجی است که به دنبال دارد. شاید مهم‌ترین تفاوت بین آن دو، نتایج حاصله از محکومیت کیفر جزایی است. نتیجه یک محکومیت جزایی برای افراد بسیار شدیدتر از شرکت‌ها است نه تنها به این دلیل که مجازات حبس در خصوص شرکت‌ها قابل اجرا نیست بلکه به دلیل نتایجی است که حکم محکومیت کیفری از خود به جا می‌گذارد، مانند محرومیت از حقوق اجتماعی نظیر تصدی مدیریت شرکت، به علاوه رسوایی ناشی از محرومیت کیفری برای افراد سنگین‌تر است. ضمانت‌های کیفری به تشریفات طولانی و پیچیده برای محکوم کردن افراد نیاز دارند و میزان کمتری از ضرر و زیان را جبران خواهند کرد. فیس در الگویی که پیشنهاد می‌دهد ضمانت‌های مدنی و کیفری هر دو را مجاز می‌شمرد. اما حقوق کیفری را تنها برای جرایم شدیدتر تجویز می‌کند. و پیشنهاد می‌دهد که بیشتر از کنترل‌های درونی شرکت یا سازمان استفاده شود. در ایران تنها موردی که طی آن شاهد ضمانت اجرای هرمی هستیم قانون تعزیرات حکومتی است. در این قانون برای انواع تخلفات اقتصادی قانونگذار دست کم چهار مرحله ضمانت اجرا در نظر گرفته است و در هر مرحله با

تکرار جرم و افزایش میزان خطرناکی بزهکار اقدام به تشدید مجازات به نسبت جرم ارتكابی نموده است و برای مثال در خصوص جرم احتکار این جرم به شکل زیر است:

در مرتبه اول- الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ۱۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه دوم: فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از ۲۰ تا ۱۰۰ درصد ارزش کالا

در مرتبه سوم: فروش کالا توسط دولت ، اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا ، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به عنوان محتکر.

در مرتبه چهارم- مجازات مرحله سوم+ لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محتکر.

مزیت این شکل از ضمانت اجرا، امکان متناسب ساختن مجازات در هر مرحله از فعالیت بزهکارانه و از این طریق افزایش کارایی ضمانت اجراهاست.

قانون جدید مجازات اسلامی در خصوص جرایم اقتصادی هر چند ضمانت های اجرایی متنوعی در نظر گرفته و از تشهیر آنها از طریق نشر در روزنامه کثیرالانتشار (تبصره ماده ۳۶) گرفته تا محرومیت از تسهیلات مقرر در قانون برای مجرمین عادی (محرومیت از تعلیق و تعویق و مرور زمان) را در نظر رگفته است اما از تعیین ضمانت اجرای هر می در قانون جدید مجازات های اسلامی و قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ خودداری شده است.

در قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ نیز مجازات های مقرر به صورت هر می تعیین نشده است. تنها در یک مورد تکرار جرم مستوجب تشدید مجازات دانسته شده است (بند ۲-۳ از شق ب ماده ۵).

بند چهارم- بازدارنده بودن مجازات ها

یکی از ساز و کارهای پیشگیری اقدام از طریق کاهش موقعیتهای جرم زا و شرایط ارتكاب جرم می باشد. در این فرایند توجه به شرایط و امکانات ادارات و سازمان های دولتی بسیار مثر ثمر خواهد بود. قطعاً در جایی که نظارت دقیق و وجود حسابرسان و بازرسان مسلط و مجرب

در سازمان های دولتی و اداری که به امر نظارت در امور مالی نهاد مربوطه می پردازند، وجود دارد و این نظارت نیز به اطلاع و آگاهی کارمندان رسیده است، یقیناً کارمندانی که تمایلات بالقوه ای نیز در زمینه ارتکاب جرایم مالی نظیر ارتشاء و اختلاس دارند، با درک موقعیت و دانستن این امر که با کوچکترین تخلفی دست آنها رو خواهد شد و مجازات های سنگین و از دست دادن شغل و موقعیت در انتظار آن هاست، سراغ ارتکاب جرم نخواهند رفت. بدین ترتیب با کمترین هزینه ها، به گوشه ای از نتایج مطلوب و دلخواه خواهیم رسید. آگاهی دادن به عموم مردم^۱ و شناساندن امکان ارتکاب جرایم اقتصادی و فساد مالی در موقعیت های مختلف جرم زان نیز می تواند از طرق بالا رفتن سطح اطلاعات عمومی نوعی مبارزه غیرمستقیم و مؤثر با عوامل جرم زا محسوب گردد. یکی دیگر از بحث هایی که از نظر جرم شناختی تأثیرات غیرقابل انکاری در پیشگیری از وقوع جرایم دارد، افزایش هزینه های ارتکاب جرم برای مجرمین است. بدین توضیح که با عنایت به این که مجرم انسانی متفکر و حسابگر می باشد و بنا بر اصل حسابگری جزایی بنام، قبل از ارتکاب جرم تمامی زمینه های مثبت و منفی و منافع و خطرات ارتکاب جرم را می سنجد^۲ و علی الخصوص در جرایم اقتصادی که انگیزه های مالی محرک و مشوق اصلی مرتکب می باشد، می توان از طریق وضع مجازات های سنگین مالی و غیرمالی نظیر جزای نقدی، مصادره و ضبط اموال بی ش از عواید احتمالی ارتکاب جرم و حبس های طولانی مدت که توان فعالیت مجرمانه را از شخص می گیرد، به برخورد با این گونه جرایم برخواست تا شخصی که تمایلات بالقوه ارتکاب چنین جرایمی را دارد با سنجیدن خطرات و منافع جرم و رسیدن به این نتیجه که خطرات ارتکاب جرم چه از نظر امکان بالای دستگیری و یا مجازات های سنگین، بیش از احتمال ارتکاب موفقیت آمیز و دستیابی به عواید حاصل از جرم است، از ارتکاب آن منصرف گردد. تأمین نیامندی های عمومی افراد جامعه و تأمین شغل و مبارزه با بیکاری و فقر نیز می تواند از وقوع جرایم اقتصادی جلوگیری نماید. زیرا درجایی که شخص در رفاه نسبی قرار دارد و نیازهای عمومی وی برطرف شده است،

^۱ ماده ۶ کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی مصوب ۲۰۰۳ مریدا.

^۲ پردل، ژان؛ تاریخ اندیشه های کیفری، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، صص ۶۱ و ۶۲

معمولاً کمتر سراغ جرایمی نظیر ارتشاء، اختلاس و... می رود. در وضع قوانین نیز توجه به فرهنگ و آداب و رسوم جامعه و سطح درآمد افراد بسیار مهم و مؤثر در کاهش ارتکاب جرایم است. به عنوان مثال در جامعه‌ای که از سطح درآمد پایینی برخوردار است و رونق اقتصادی حاکم نیست، طبیعتاً وضع قانونی که مالیات را افزایش دهد، خود موجب افزایش ارتکاب جرایم مالیاتی که گونه‌ای از جرایم اقتصادی به شمار می‌رود، می‌شود.

در بحث تطبیق یا عدم تطبیق قوانین ایران با یافته‌های جرم‌شناسی نیز لازم به ذکر است که با بررسی قوانین تعزیری پس از انقلاب ملاحظه می‌گردد در عمل با توجه به پیشرفت‌های جرم‌شناسی در دهه‌های اخیر و توسعه آن در کشور ما در مقایسه با قبل از انقلاب، آنچه مورد انتظار حقوقدانان بوده تحقق نیافته است.^۱ بنابراین در یک اظهارنظر کلی باید اذعان نمود که جایگاه جرم‌شناسی پیشگیری به عنوان یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی (با هدف شناخت علل جرم و از بین بردن زمینه‌های بروز آن) در سیاست جنایی کشور ما مبهم بوده و تمایل به حقوق کیفری (سیاست کیفری) به جای سیاست پیشگیری، از مشخصه‌های قانون‌گذار ایران است. بنابراین پیشگیری به عنوان یک اصل فراموش شده تاکنون ظهور و بروز جدی در قوانین نداشته و سازمانی رسمی یا غیر رسمی متکفل آن نشده است. گرچه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با قرار دادن وظیفه پیشگیری به عهده قوه قضائیه در بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی بارقه‌امیدی را جهت احیای این اصل کاربردی جرم‌شناسی ایجاد کرد، اما عملاً تلاش جدی در زمینه پیش‌گیری وضعی از جرایم اقتصادی تنها در قانون ارتقا سلامت نظام اداری به ثمر نشست و نه در زمینه تعیین مجازات‌های بزدارنده پراکندگی قوانین و عدم انسجام مقررات کیفری یک چالش عمده است. لذا همانطور که مورد انتقاد قرار گرفته است^۲ تلاشی در این جهت دیده نشده است و عملاً سیاست جنایی منسجم و اصولی در این باب ملاحظه نمی‌گردد.

^۱ شیخ الاسلامی، عباس؛ "جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران"، علوم جنایی (مجموعه

مقالات)، ص ۴۸۸

^۲ همان؛ صص ۴۹۳ و ۴۹۴



بند پنجم: حتمیت و قطعیت مجازات

از دید رویکرد بازدارندگی مجازات، آنچه ضامن نقش پیشگیرانه‌ی کیفرهاست، حتمیت و قطعیت یا به عبارتی اطمینان جامعه از اجرای مجازات‌هاست، یعنی باور به این مطلب که احساس ترس از ارتکاب جرم را می‌توان با حتمی جلوه دادن مجازات، بیش از برپا کردن نمایش‌های مخوف ولی زودگذر در اذهان مردم برانگیخت.^۱ به طوری که بکاریا با پیروی از اندیشه مونتسکیو در روح‌القوانین می‌نویسد: «این شدت کیفر نیست که از جرم پیشگیری می‌کند، بلکه حتمی و قطعی بودن مجازات است که می‌تواند از جرم‌های آینده جلوگیری کند»^۲ و در همین رهگذر وی به مخالفت جدی با نهاد عفو پرداخته و الغای آن را عاملی بس تأثیرگذار در رنج‌آور ساختن مجازات می‌داند، در همین راستا بنام نیز با گسترش دیالکتیک «امنیت - حتمیت» پیشگیری از جرایم را در گروهی افزایش درجه حتمی بودن مجازات‌ها می‌داند.^۳ و به همین خاطر است که بکاریا به دنبال عدم اعتماد به قضات، اعتقاد به تعیین مجازات‌های ثابت و یکسان دارد چرا که وی نظام مجازات‌های ثابت را اکسیری بازدارنده می‌داند، یعنی بر این باور است که مجازات باید با جرم و نه با فرد تناسب داشته باشد که بعدها بنام به مخالفت با مقوله‌ی ثبات مجازات‌ها پرداخته و رویه‌ی فردی ساختن کیفرها را در پیش گرفته است.^۴ چرا که در واقع مبتنی کردن یک نظام بر آزادی اراده، به معنای برابری درجه مسوولیت اخلاقی افراد با یکدیگر نیست.^۵

در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به نظر می‌رسد قانونگذار تلاش زیادی نموده است تا اصل فردی کردن مجازات‌ها را با دادن اختیارات افزون تر به قضات، پیش بینی مجازات‌های جایگزین حبس و مجازات‌های گسترده تکمیلی به طور وسیع‌تری در سیاست

^۱ اردبیلی، محمد علی، پیشین، ص ۳۹

^۲ مونتسکیو، پیشین، ص ۲۹۶

^۳ پرادل، ژان، پیشین، ص ۶۲

^۴ همان، ص ۶۴

^۵ لازرژ، پیشین، ص ۴۷.

کیفری خود مدنظر قرار دهد و بر این اساس دست قضات را تعیین کیفر بر اساس شخصیت مجرم و اوضاع و احوال جرم بازتر کند. در کنار آن قانونگذار در قانون جدید تسهیلات زیادی در اجرای مجازات ها قائل گردیده است. تعویق صدور حکم، پیش بینی توبه و قاعده درء و پیش بینی مرور زمان در واقع امتیازات جدیدی است که قانونگذار برای محکومین و مجرمین در تعیین و تحمل کیفر قائل گردیده است. این حجم از مقررات ارفاقی برای مجرم اصل حتمیت و قطعیت مجازات ها را با چالش اساسی مواجه می کند. به ویژه در مورد جرایم اقتصادی این نگرانی بیشتر است زیرا با مقوله فساد مرتبط است و اختیارات گسترده قضات در تعیین کیفر و اجرای مجازات می تواند به دامنه فساد بیافزاید و قطعیت اجرای مجازات را با تردید مواجه نماید. هر چند قانونگذار در قانون جدید مجرمین جرایم کلان یا متوسط اقتصادی را از برخی مقررات ارفاقی محروم نموده است (ماده ۴۶ و بند ب ماده ۱۰۹) اما باز هم راهکارهایی مانند نظام آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، عفو و توبه روزه های امید را برای اینگونه مجرمین باز گذاشته است که بتوانند، حتمیت و قطعیت اجرای مجازات را به نحوی دور زده و از معاذیر معاف کننده یا کاهنده مجازات برخوردار شوند. در خصوص این راهکارهای ارفاقی در فصل سوم بیشتر بحث خواهیم نمود.

۹۶۱

بند ششم: ایجاد آیین دادرسی ویژه، مراجع قضایی تخصصی

طبق نظریه‌ی بازدارندگی در صورتی که خواهان کاربرد کیفر به عنوان مانعی مؤثر در برابر آماج جرم باشیم، اعمال این نهاد کیفری باید با وقوع جرم چندان فاصله‌ای از نظر زمانی نداشته باشد، زیرا در غیر این صورت تصور لازم میان جرم و کیفر در اذهان به سستی گرائیده^۱ و پیوند و ارتباط میان آن دو قابل درک و لمس نخواهد بود، لذا اطالهی فرآیند دادرسی که موجبات وقفه میان جرم و مجازات را فراهم می آورد، نه تنها نقش ارعابی کیفرها را از میان می برد، بلکه خود، مشوق بزهکاری است. بدین معنا که بازدارندگی در رویکردی هنجار محور خواستار تقویت ارزش‌هایی معین است و در همین راستا در یک بخش به مجازات متوسل شده و در

^۱ بکاریا، پیشین، ص ۱۷



بخش دیگر دست به دامان تهدید به مجازات متخلف است.^۱ لذا یکی از ابزار های مورد نیاز برای اجرایی کردن اصل سرعت و حتمیت در واکنش به جرایم فساد آمیز و مفساد اقتصادی، وجود آیین دادرسی خاص و دادگاه های تخصصی است. هر چند امروزه در حقوق داخلی بحث مربوط به آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی مطرح است و در بعضی حوزه های قضایی نیز مجتمع قضایی تحت عنوان «ویژه جرایم اقتصادی» و «دادگاه رسیدگی به مفساد اقتصادی» دادرسی ویژه از جمله « برای حفظ حقوق بیت المال » و « ویژه رسیدگی به جرایم اقتصادی» «دادرسی ویژه رسیدگی به جرایم پول شویی» و غیره تشکیل شده است. این امر در واقع امر از باب تقسیم وظایف است که هر چند در جلوگیری از اطاله دادرسی و تسریع در دادرسی بی تأثیر نیست اما به طور قانونی در حال حاضر آیین دادرسی ویژه فساد و مفساد اقتصادی که در آن وجود دادگاه های تخصصی نیز پیش بینی شده باشد، وجود ندارد. با توجه به حساسیتی که موضوع جرایم اقتصادی از حیث ضربه به کیان اقتصادی و ضربه به اعتبار دولت و تخریب کارکردهای اداری و اقتصادی دارد وجود ساز و کار قانونی برای تسریع مطلوب و تخصص در رسیدگی دارای اهمیت است. زیرا اطاله رسیدگی علاوه بر اینکه ممکن است ناشی از فساد باشد خود موجب و محملی برای فساد است (مانند ارتشا به منظور جلوگیری از اطاله) لذا باید کوشید تا چنین جرایمی را در دادگاه های ویژه مورد رسیدگی قرار داد. با این حال نباید در فقدان آیین دادرسی ویژه جرایم اقتصادی اغراق نمود. به ویژه با توجه به قانون ارتقاء سلامت نظام اداری که اخیراً اجرایی گردیده است و در آن دادگاه های تخصصی ویژه با آیین دادرسی ویژه تعیین گردیده است که به صورت هیئت سه نفره متشکل از قضات مجرب به رسیدگی و صدور حکم می پردازند و رأی آنها قطعی اعلام شده است. هر چند این دادگاه ویژه تنها به جرایم اقتصادی کارمندان دولت و مؤسسات عمومی رسیدگی می کند اما بسیاری از جرایم اقتصادی را پوشش می دهد و بعلاوه در این رابطه قانون اصلاح تبصره ۱ ماده ۱۸۸ قانن آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ و الحاق سه تبصره به آن نیز قابل توجه هستند که می توانند

^۱ فریدمن، لارنس، بازدارندگی، ترجمه روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان پور، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶، ص ۱۶.

مکمل محسوب شوند. در باب تسریع در رسیدگی تبصره ۴ ماده مذکور مرجع تجدیدنظر را مکلف کرده است حداکثر ظرف مدت شش ماه به پرونده های موضوع تبصره ۳ ماده ۱۸۸ رسیدگی و حکم صادر نماید. در غیر این صورت و با تأخیر بدون عذر موجه، قضات شعبه رسیدگی کننده به مجازات انتظای از درجه ۴ به بالاتر محکوم می گردند. جرایم موضوع تبصره ۳ عبارتند از اختلاس، ارتشا، مداخله یا تبانی یا اخذ پورسانت در معاملات دولتی، اختلال در نظام اقتصادی کشور، سوء استفاده از اختیارات به منظور جلب منفعت برای خود یا دیگری، جرایم گمرکی، جرایم مالیاتی، قاچاق کالا و ارز و به طور کلی جرایم علیه حقوق مالی دولت. نکته قابل ذکر آنکه لازم بود تا قانونگذار به منظور تسریع در رسیدگی، این مطلب را در خصوص قضات سایر مراجع قضایی نظیر دادسرا و دادگاه بدوی نیز تصریح می-کرد. چرا که معمولاً این مسأله از ناحیه ایشان چه بسا بیشتر مبتلا به باشد. با وجود این قوانین الزام آور پراکنده که قوه قضائیه را ملزم مینمود به جرایم اقتصادی با نگاه ویژه ای رسیدگی نماید در قانون اخیر التصویب ارتقا سلامت نظام اداری به قوه قضائیه تکلیف شده است ظرف یکسال ضمن بازنگری قوانین جزائی مرتبط با جرایم موضوع این قانون و بررسی خلاء های موجود لایحه ای جامع با هدف پیشگیری مثر از وقوع جرم از طریق تناسب مجازات ها با جرایم تدوین نماید و در اختیار دولت قرار دهد تا دولت با رعایت ترتیبات قانونی اقدام لازم را به عمل آورد. (شق الف ماده ۱۱) همچنین در شق ب ماده مزبور قوه قضائیه مکلف شده است ظرف یکسال لایحه جامعی مربوط به رسیدگی به جرایم مربوط به مفاسد اقتصادی و مالی مدیران و کارکنان دستگاه های دولتی و عمومی که به سبب شغل و یا وظیفه مرتکب می شوند شامل تشکیلات، صلاحیت ها، آیین دادرسی و سایر موضوعات مربوط تهیه کند و به دولت ارائه دهد تا اقدامات قانونی را معمول دارد. همچنین مقرر گردیده است تا ایجاد چنین تشکیلاتی در هر حوزه قضائی با توجه به حجم جرایم اقتصادی و مالی موضوع این قانون شعبه یا شعبی در دادسراها و دادگاه ها با رعایت صلاحیت های قانونی برای رسیدگی به جرایم مذکور اختصاص دهد قضات این شعب باید دوره های آموزشی تخصصی را گذرانده باشند. مجموع تکالیفی که مواد فوق الذکر برای قوه قضائیه مقرر شده است نشانگر اینست که



قانونگذار در صدد ایجاد نظام جنایی جامع در خصوص مجرمین اقتصادی است که با فعالیت‌های دولت مرتبط هستند و به نوعی اعتماد عمومی را به فعالیت‌های دولت خدشه‌دار می‌کنند. با وجود اینکه تکالیف مزبور در نهایت همه جرایم اقتصادی احصا شده در تبصره ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی جدید را پوشش نمی‌دهد اما بخش قابل توجهی از این جرایم را در بر می‌گیرد. همچنین وجود ضابطان آگاه، نفوذناپذیر و کارآزموده نیز در رسیدگی به جرایم فساد دارای اهمیت است تا از سویی با اندک بهانه و با برداشت‌های نادرست، آبروی دیگران را دستخوش گزارش‌های نادرست قرار ندهد و از سوی دیگر تحت تأثیر نفوذهای ناروا قرار نگیرند.^۱ نکته قابل توجه آنکه در نظام حقوقی داخلی با توجه به نگاه امنیتی به جرایم اقتصادی در ماده ۱۲۴ برنامه چهارم توسعه از وزارت اطلاعات به عنوان ضابط در جرایم کلان اقتصادی نام برده است. قانون ارتقاء سلامت نظام اداری و مبارزه با فساد موصوب ۱۳۹۰ نیز به طور عام-الشمولی در کشف و تعقیب مجرمین جرایمی که در آن قانون مشمول قرار گرفته‌اند وزارت اطلاعات را در پرونده‌های فساد مالی کلان به عنوان ضابط قرار داده است (تبصره ۱ ماده ۴ قانون مذکور) و تمامی دستگاه‌های دولتی و مؤسسات عمومی را مکلف کرده است تا در این زمینه با وزارت اطلاعات همکاری نمایند. ماده ۴ قانون مذکور یک وظیفه نظارتی و پیشگیرانه عمده را بر عهده وزارت اطلاعات نهاده است و آن اینکه موظف شده است نقاط آسیب‌پذیر فعالیت‌های کلان اقتصادی دولتی و عمومی را شناسایی نموده و پوشش اطلاعاتی دهد.

بند هفتم: حمایت از مخبرین، شهود و کارشناسان

جرایم اقتصادی به دلیل خاصیت پنهان کاری آن به سختی کشف می‌شود. به ویژه اگر در یک جریان فعالیت‌های دولت روی دهد و دو طرف رابطه فساد مجرم باشند تمایلی به افشای جرم خود نخواهند داشت. اعلام گزارش از سوی سایرین نیز معمولاً با خطراتی همراه است به خصوص وقتی فساد سیستماتیک در جریان باشد مخبر رابطه فاسد ممکن است از سوی مافوق مورد تنبیه قرار گیرد یا از سوی همکاران مورد سرزنش و انتقام جوئی واقع شود و یا

^۱ دادخلایی، ۱۳۹۰، پیشین، ص ۲۸۰.

خود آنها متهم به فساد شوند. این مسائل مسلماً بر سر راه مبارزه با مفسدین اقتصادی در سازمان های دولتی است از سوی دیگر پس از کشف جرم نیز اثبات آن با دشواری همراه است و ممکن است شهود و کارشناسان از ترس انتقام جوئی یا سرزنش حاضر به ادای گواهی یا ارائه نظر کارشناسی نباشند. این عوامل نیازمند حمایت قانونی از مخبرین، کارشناسان و گواهان را ضروری میکند. کنوانسیون سازمان ملل علیه فساد در ماده ۳۳ خود تحت عنوان «حمایت از افراد گزارش دهنده» بیان میدارد: «هر کشور عضو گنجاندن اقدامات مقتضی را به منظور تأمین حمایت از هر کسی که با حسن نیت و بنا به دلایل معقول هر واقعیت مربوط به جرایم احراز شده بر اساس این کنوانسیون را به مقامات صلاحیت دار گزارش دهد در برابر هر رفتار غیر قابل توجیه در نظام حقوق داخلی خود مورد بررسی قرار دهد.» ماده ۳۳ کنوانسیون نیز به حمایت از شهود، کارشناسان و قربانیان پرداخته است. در حقوق داخلی خلأ چنین مقرراتی احساس می گردید تا اینکه قانونگذار در قانون ارتقا سلامت نظام اداری و در ماده ۱۷ آن مقرر نموده است: «دولت مکلف است طبق مقررات این قانون نسبت به حمایت قانونی و تأمین امنیت و جبران خسارت اشخاصی که تحت عنوان مخبر یا گزارش دهنده، اطلاعات خود را برای پیشگیری، کشف یا اثبات جرم و همچنین شناسایی مرتکب، در اختیار مراجع ذی صلاح قرار می دهند و به این دلیل در معرض تهدید و اقدامات انتقام جویانه قرار می گیرند، اقدام نماید.» در ادامه در چهار شق اقدامات حمایتی را که دولت موظف به انجام دادن است بدین صورت برشمرده است:

۹۶۵



الف - عدم افشاء اطلاعات مربوط به هویت و مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت اشخاص مذکور، مگر در مواردی که قاضی رسیدگی کننده به لحاظ ضرورت شرعی یا محاکمه عادلانه و تأمین حق دفاع متهم افشاء هویت آنان را لازم بداند. چگونگی عدم افشاء هویت اشخاص یاد شده و همچنین دسترسی اشخاص ذی نفع، در آیین نامه اجرائی این قانون مشخص می شود.

ب - فراهم آوردن موجبات انتقال افراد مذکور با درخواست آنان به محل مناسب دیگر در صورتی که در دستگاههای اجرائی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲) این قانون

شاغل باشند، دستگاه مربوط موظف به انجام این امر است و این انتقال نباید به هیچ وجه موجب تقلیل حقوق، مزایا، گروه شغلی و حقوق مکتسبه مستخدم گردد.

ج - جبران صدمات و خسارات جسمی یا مالی در مواردی که امکان جبران فوری آن از ناحیه واردکننده صدمه یا خسارت ممکن نباشد. در این صورت دولت جانشین زیان دیده محسوب می شود و می تواند خسارت پرداخت شده را مطالبه نماید.

د - هرگونه رفتار تبعیض آمیز از جمله اخراج، بازخرید کردن، بازنشسته نمودن پیش از موعد، تغییر وضعیت، جابه جایی، ارزشیابی غیرمنصفانه، لغو قرارداد، قطع یا کاهش حقوق و مزایای مخبر، گزارش دهنده و منبعی که اطلاعات صحیحی را به مقامات ذی صلاح قانونی منعکس می نمایند ممنوع است.

تبصره - اشخاص فوق در صورتی مشمول مقررات این قانون می شوند که اطلاعات آنها صحیح و اقدامات آنان مورد تأیید مراجع ذی صلاح باشد.

نحوه اقدامات حمایتی، نوع آن و میزان جبران خسارت آنان، طبق مقرراتی است که توسط وزارت اطلاعات و با همکاری وزارت دادگستری و معاونت های برنامه ریزی و نظارت راهبردی و توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور تهیه می شود و اقدامات قانونی لازم برای تصویب در مجلس شورای اسلامی به عمل می آید.»

بدین ترتیب قانونگذار ایران الزاماتی را کنوانسیون مریدا برای دولت مقرر نموده بود عملی نموده و با این حمایت های قانونی تلاش نموده است از گزارش دهندگان و مخبرین حمایت نماید و خسارات احتمالی آنان در برابر اقدامات تلافی جویانه تأمین نماید.

بخش دوم: بررسی و تحلیل پیشگیرانه کیفری جرایم اقتصادی در محتوای قوانین غیرکیفری

ضعف قانونی از جهات غیر کیفری نیز بر روند فساد تأثیر می گذارد. مبارزه علیه فساد اقتصادی تنها مربوط به وظایف دستگاه عدالت کیفری نیست بلکه تمام قوانین را در زمینه های مختلف - به خصوص اجرایی و در مسئولیت تمام دستگاه ها و نهادهای کشور با هدف برخورد با پدیده های فساد و حتی جلوگیری از بروز فرصت های فساد آمیز شامل می شود.

قوانین غیر کیفی نیز باید کارآمد باشند زیرا ناکارآمدی قانون خود محمل و بستری برای فساد است. برخی در یک نگاه بدبینانه گفته‌اند مقررات دست و پاگیر با محتوای گیج کننده در بخش های اداری عمده توسط دیوانسالاران ایجاد شده اند تا تمایل مراجعه کنندگان به پرداخت رشوه را افزایش دهند^۱. در هر صورت محتوای قانونگذاری در زمینه جرایم اقتصادی باید حاوی راهکارهایی باشد که زمینه ارتکاب جرم را کاهش دهد. از آنجا که اغلب جرایم اقتصادی در بستر فعالیت‌های مالی کارکنان دولت روی می‌دهد قوانین باید تعارض منافع شخصی فرد را با منافع دولت رفع نماید، نظارت بر عملکرد دولت را نظام مند کند و سطح فعالیت دولت در اقتصاد کاهش دهد.

بند اول: رفع تعارض منافع

تعارض منافع یکی از زمینه‌های بروز فساد تلقی می‌شود و در صورت عدم توجه و فقدان ضمانت اجراهای مناسب می‌تواند منجر به ارتکاب فساد شود. چرا که هنگامی که منافع شخصی فرد در تعارض با منافع شغلی و اداری قرار گیرد، وی (مأمور دولت) ممکن است به حفظ منافع شخصی و ترجیح آن بر منافع دولت متمایل شود. بدون تردید این روند، یعنی ارتکاب فساد مستقیماً ثبات جامعه را متزلزل کرده، موجب بی ثباتی اجتماعی و سیاسی دولت شده در موارد شدید منتهی به عدم رضایت از دولت به دلیل سکوت در برابر چنین فعالیت‌هایی می‌شود.^۲ در حقوق جزایی ایران یکی از قوانینی که در جهت جلوگیری از تضاد منافع وضع شده لایحه قانونی راجع به مداخله وزرا و نمایندگان مجلس و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوب ۱۳۳۷ است که طبق آن برخی مقامات کشوری و لشکری و کارمندان دستگاه های دولتی و وابسته به آن، شهرداری ها، اشخاصی که به نحوی از خزانه دولت حقوق یا حق الزحمه مستمر دریافت می کنند و برخی شرکت ها (با شرایط مقرر شده) حق شرکت در معاملات یا داوری در دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداری یا دستگاه های وابسته و مؤسسات

^۱ ربیعی، علی. زنده باد فساد، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳، ص ۶۶.

^۲ شمس ناتری و توران توسلی زاده، پیشین، ص ۲۰۱.



مقرر در قانون را ندارند و علاوه بر آن پدر، مدر، برادر، خواهر زن، اولاد بلافصل و عروس و داماداشخاص فوق الذکر نیز از این حق محرومند. این قانون صرفاً به ممنوعیت انجام معاملات و داوری در دعاوی با دولت می پردازد و لذا تصویب قانونی که صراحتاً موارد و اشکال تعارض منافع را اعلام و ساز و کارهای اجرایی جهت پیشگیری از فساد از طریق تعارض منافع را مشخص نماید، ضروری به نظر می رسد. البته در سال های اخیر برخی مقررات به طور موردی به این موضوع پرداخته اند که برای مثال میتوان به نظام نامه اخلاق و رفتار کارکنان گمرک اشاره کرد که در آن اشتغال کارکنان گمرک به تجارت یا حق العمل کاری و هر نوع حرفه دیگر که با انجام وظیفه آنها در گمرک ارتباط داشته باشد ممنوع اعلام شده است (بند ۱ ماده ۵). کنوانسیون مریدا نیز در ماده ۱۲ وضع مقررات و آیین نامه های رفتاری را جهت جلوگیری از تضاد منافع برای نیل به مبارزه با فساد مالی ضروری دانسته است. همچنین این کنوانسیون، کشورها را به تصویب و تقویت ساز و کارهایی جهت هر چه شفافتر شدن و جلوگیری از تضاد منافع ترغیب می نماید. (بند ۴ ماده ۷) قانونگذار ایران علاوه بر اینکه کنوانسیون مزبور را به تصویب رسانده است. در راستای ایجاد الزام قانونی برای بندهای این کنوانسیون در قانون ارتقاء سلامت اداری و مبارزه با فساد مصوب ۱۳۹۰ تدابیری را در این خصوص برقرار نموده است.

بند دوم: ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی

نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی، به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می شود، لذا توجه به عملکرد این گونه مؤسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می تواند عامل پیشگیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر برملا شدن تخلف وجود دارد. به طور کلی ممکن است این نتیجه بدست آید که بین اثرات پیشگیرانه و خطر کشف همبستگی وجود دارد. علاوه بر مقررات داخلی، اسناد مهم سازمان ملل

به موارد کنترلی مانند تعیین هویت مشتری، حفظ و نگهداری اسناد، مدارک و گزارش موارد مشکوک، تأکید ورزیده‌اند.

بند سوم: کاهش نقش دولت در حوزه تصدی گری

مداخله دولت در عرصه اقتصاد بیش از حد وظایفی که کلاسیک‌ها برای آن شده‌اند (تنظیم قوانین و مقررات، تأمین نظم و امنیت، حفاظت از اجرای قراردادها و ...) موجب رشد بروکراسی و بروز پدیده‌هایی مانند رشوه، رانت جویی خواهد شد که هزینه‌های اجتماعی مربوط به آنها، کل جامعه را در وضعیت بدتری قرار می‌دهند. واقعیت این است که از نظر تاریخی مکانیزم بازار بدون وجود یک دولت قوی و نظارت‌کننده قادر به ادامه حیات نیست. حتی در کشور پیشرفته سرمایه‌داری مانند آمریکا نیز برخلاف تبلیغات گسترده، نظارت شدیدی بر عملکرد بازار وجود دارد. ایجاد فضای رقابتی در اقتصاد یکی از روشهای مؤثر پیشگیری از جرایم اقتصادی می‌باشد. این موضوع تا آن جا اهمیت دارد که در حال حاضر «بیش از یکصد کشور جان قانون رقابت دارند و سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۸۰ مجموعه اصول و قواعدی در زمینه رقابت منتشر و در سال ۲۰۰۰ آن را مورد بازنگری قرار داده است. ایجاد چنین فضای رقابتی و کاهش نقش دولت در امور اقتصادی است:

۹۶۹



خصوصی سازی فرایندی اجرایی، مالی و حقوقی است که دولت‌ها برای انجام اصلاحات در اقتصاد و نظام اداری به اجرا در می‌آورند، واژه خصوصی سازی «حاکمی از تغییر در تعادل بین حکومت و بازار و به نفع بازار است. بنابراین خصوصی سازی در ظاهر «عبارت است از فرایند انتقال وظایف و تأسیسات یک واحد دولتی به یک واحد خصوصی و یا فروش بیش از ۵۰ درصد سهام یک مؤسسه دولتی به بخش خصوصی و در تعریف عمومی تر عبارت است از انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار. به تعبیر جدید مؤسسات بین‌المللی نیز خصوصی سازی عبارت است از مسئول کردن مردم در فعالیت‌های اقتصادی.^۱ خصوصی

^۱ اردشیری، منصور، خصوصی سازی در آموزش عالی، نشریه مجلس و پژوهش، ۱۳۸۶، ص ۳۵۲

سازی را به واقع می توان یک برنامه اصلاحی مقابله با فساد قلمداد کرد^۱. چرا که می تواند با خارج کردن دارایی های خاصی از کنترل دولت و تبدیل اقدامات صلاح‌دیدنی مقامات به انتخاب های مبتنی بر محرکه های بازار توسط بخش خصوصی از فساد بکاهد. تجربه نشان داده است که هر چه دولتها بزرگتر و با اختیارات گسترده تر باشند، زمینه های فساد در آنها بیشتر خواهد بود. معایب و نواقص ناشی از ماهیت و ساختار اقتصاد متمرکز که خود عامل مهم جرم زایی است، پیرو این است که دولت به عنوان شخصیت حقوقی، تصدی و مدیریت منابع و فرصت های اقتصادی و نیز مسئولیت تخصیص آنها را به عهده دارد. بنابراین دولت مردان بخش عمده ای از این منابع و فرصت ها را به خود یا دوستان یا بستگان اختصاص می دهند و پایه های فساد اقتصادی در تخصیص بهینه و مطلوب منابع نیز از این نقطه آغاز می شود و به دلیل فوق تصدی های دولتی معمولاً یا رانت خواری یا ایجاد شبهه رانت همراه بوده است. از سوی دیگر دولت از وظیفه ماهیتی و اصلی خویش که همان اعمال حاکمیتی قوی، مستمر و همه جانبه و نیز سیاست گذاری و هدایت اقتصاد ملی در سطح بین المللی است، دور می ماند و این امر خود موجب بروز مفسده های اقتصادی و ... است. بر مشکلات فوق، عدم سرمایه گذاری کلان و عدم توانایی ایجاد بستر لازم جهت جلب سرمایه گذاران داخلی و خارجی را نیز را باید افزود که خود موجب کاهش تولید درآمد ملی و ایجاد فرصت برای عده ای کمی که با قدرت پیوند نزدیک تر دارند، می شود.

نتیجه گیری

غالب نویسندگان و محققان بر این باورند که خصوصی سازی و مقررات زدایی دو روش اصلی هم برای پیش گیری و هم مبارزه با فساد است. به نظر می رسد هر یک از آنها می تواند در نتیجه دیگری حاصل شود. نظر به اینکه حجم قابل توجهی از عواید حاصل از جرایم اقتصادی، به ویژه فساد و پولشویی از طریق سیستم های پولی و بانکی به جریان افتاده و وارد ساختار اقتصادی کشور می شود، لذا توجه به عملکرد این گونه موسسات با ایجاد سیستم جامع نظارتی

^۱ ربیعی، علی، همان، ص ۴۲

و کنترلی برای آنها، و اجرای دقیق این سیستم، می‌تواند عامل پیش‌گیرانه مهمی محسوب شود. با نظارت همواره خطر بر ملا شدن تخلف وجود دارد. به طور کلی ممکن است این نتیجه بدست آید که بین اثرات پیش‌گیرانه و خطر کشف همبستگی وجود دارد. قانونگذار در قانون جدید مجازات اسلامی تلاش کرده است تا قطعیت و حتمیت اجرای مجازات را در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان به عنوان یک عامل و راهکار بازدارنده تضمین نماید، لذا در خصوص استفاده مجرمین اقتصادی از برخی راهکارهای ساقط‌کننده، یا کاهنده مجازات سخت‌گیری اعمال نموده است. همچنین قانون‌گذار در خصوص مجرمین اقتصادی کلان یک مجازات تعزیری تبعی را به میزان مجازات‌های آنان افزوده است. این مجرمین باید از طریق انتشار حکم محکومیتشان در جراید و رسانه‌های ملی و محلی، تشهر شوند. همچنین برابر بند ۱۰۹ ماده ۱۰۹ قانون مجازات اسلامی جدید، امتیاز شمول مرور زمان تعقیب و اجرای کیفر شامل مجرمین کلان اقتصادی نمی‌شود. بدین ترتیب سیاست کیفری قانونگذار در مقابله با جرایم اقتصادی به صورت سخت‌گیرانه بروز و ظهور می‌یابد. اما باید توجه داشت این سیاست سخت‌گیرانه در خصوص حتمیت و قطعیت اجرای مجازات مجرمین اقتصادی به طور منسجم و پیوسته دنبال نشده است. هنوز راهکارهای معاف‌کننده با کاهنده برای آن وجود دارد، تأسیسات جدید ساقط‌کننده یا کاهنده مجازات مانند، آزادی مشروط، عفو و پذیرش توبه، همچنان راه‌های گریز از تمام یا بخشی از مجازات را باز گذارده است. در خصوص آزادی مشروط هیچ قیدی جرایم اقتصادی را از شمول آن استثناء نکرده است. همچنین مجرمین جرایم اقتصادی که به جهت کلان بودن و با حصول سایر شرایط به افساد فی‌الارض تعبیر می‌یابند و بدین ترتیب مجازات حدی قتل برای آنها در نظر گرفته شده است، می‌توانند با استفاده از راهکار توبه که قانونگذار در ماده ۱۱۴ قانون مجازات مقرر داشته است، توبه کرده و عفو خود را از رهبری بخوانند، همچنین در مورد مجرمین اقتصادی متوسط و کلان که به تعزیر محکوم شده‌اند نیز توبه می‌تواند به عنوان یک راهکار تخفیف‌دهنده مجازات استفاده شود.



منابع و مآخذ

الف) کتاب

- آشوری، م، آیین دادرسی کیفری، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ دوازدهم، تابستان ۱۳۸۶.
- آقازاده، ع؛ بررسی تحلیلی و کاربردی سیاست جنایی ایران در قبال قاچاق کالا، چاپ اول، انتشارات آریان، تهران ۱۳۸۴
- بکاریا، س. رساله جرایم و مجازات ها، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۴.
- پرادل، ژ. تاریخ اندیشه های کیفری، مترجم، علی حسین نجفی ابرندآبادی، انتشارات سمت، ۱۳۸۱
- پیمانی، ض ؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ پنجم، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۰.
- توسلی زاده، ت، پیشگیری از جرایم اقتصادی، تهران: جنگل، ۱۳۹۱.
- جعفری لنگرودی، م؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ سیزدهم، کتابخانه گنج دانش، تهران ۱۳۸۲.
- دادخدایی، ل. فساد مالی- اداری و سیاست جنایی مقابله با آن: با تکیه بر کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد. تهران: بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۰.
- رایجیان اصلی، م، بزه دیده شناسی حمایتی، تهران، نشر دادگستر، ۸۷۱۳
- ریعی، ع. زنده باد فساد، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۱۳۸۳.
- رئیس دانا، فر، آسب های اجتماعی ایران، انجمن جامعه شناسی ایران، چکیده مباحث مطرح شده در محور جرایم مالی- اقتصادی، چاپ اول، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۳.
- زراعت، ع، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲)، تهران، ققنوس، ۱۳۹۳،

شیخ الاسلامی، ع؛ "جایگاه یافته‌های جرم‌شناسی در تحولات نظام تقنینی کیفری ایران"، مجموعه علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)، چاپ اول؛ انتشارات سمت، تهران ۱۳۸۳.

صلاحی، ج، کیفرشناسی و دیدگاه‌های جدید، تهران: انتشارات میزان، ۱۳۸۶.

عباس زادگان، س، فساد ادرازی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳.

عشماوی، س. مروری بر جرایم اقتصادی کشورهای عربی، ترجمه حسین نصراللهی و سید عیسی حسینی، تهران: انتشارات ناجا، ۱۳۸۶.

علیمیری، م. بازرسی در آیین قانون، مجموعه مقالات نخستین همایش نظارت و بازرسی کل کشور، تهران: نشر سازمان بازرسی کل کشور، ۱۳۷۶.

فریدمن، ل، بازدارندگی، ترجمه روح الله طالبی آرانی و عسگر قهرمان پور، چاپ اول، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۶.

گسن، ر. مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران: انتشارات مترجم، ۱۳۸۳.

لازرژی، ک. سیاست جنایی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: انتشارات یلدا، ۱۳۷۵.

محمدی، ح، ضبط، مصادره و استرداد اموال، تهران، انتشارات گنج دانش. ۱۳۹۰

مهدی پور، ا، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۹۰.

میر محمد صادقی، ح؛ حقوق جزای بین الملل (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۷.

میرمحمد صادقی، ح؛ جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی، چاپ دوم، نشر میزان، تهران

۱۳۸۱



نورزاد، م، جرایم اقتصادی در حقوق کیفری ایران، تهران: جنگل، جاودانه، ۱۳۸۹

نوروزی فیروز، ر. حقوق جزای عمومی: مجازات، تهران: نشر میزان، ۱۳۹۰.

ولیدی، م؛ حقوق جزای اختصاصی، ج ۲، چاپ سوم، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۲

ب) مجلات

اردبیلی، م، "فلسفه تعویق صدور حکم"، روزنامه حمایت، شماره ۲۵۳۱، تاریخ ۱۳۹۱/۳/۱۷
اردشیری، من. "خصوصی سازی در آموزش عالی"، نشریه مجلس و راهبرد، شماره ۵۵،
تابستان ۱۳۸۶.

اقتراح قضایی از جرایم اقتصادی، نشریه عصر ما، ۱۳۸۰/۱۰/۲۷.
جرمی پ، "پارلمان و قانونگذاری علیه فساد"، ترجمه مسعود فریادی، نشریه مجلس و
راهبرد، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۸۵.

حبیب زاده، م؛ آسیب شناسی نظام عدالت کیفری ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی
دانشگاه شیراز، تابستان ۱۳۸۳ ص ۱۴۵

حبیب زاده، م؛ نجفی ابرندآبادی، علی حسین و کیومرث کلاتری، "تورم کیفری، عوامل و
پیامدها"، نشریه مدرس، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۰

حسینی، س؛ "نگرشی تطبیقی بر نحوه انعکاس جرم رشوه در سیستم های حقوقی فرانسه
ایتالیا، سوئیس و چین"، مجله پژوهشهای حقوقی، شماره ۶، ۱۳۸۳

حسینی، س و متولی زاده نائینی ن. "بررسی نظریه برجسب زنی"، فصلنامه حقوق مجله
دانشکده حقوق و علوم سیاسی. سال چهارم و دوم. شماره ۴. زمستان ۱۳۹۱.

دادخدایی، ل، "مفهوم جرم اقتصادی و تحولات آن"، نشریه تعالی حقوق، سال دوم، شماره
۶، ۱۳۸۹.

روستایی، م، "ارزیابی مداخله کیفری در حوزه جرایم اقتصادی"، فصلنامه کارآگاه، دوره
دوم، سال دوم، شماره ۷، تابستان ۱۳۸۸.